

## علمی و واقع بینانه بنگریم

که واشر سرسیلندر اتومبیل که وظیفه‌اش جلوگیری از مخلوط شدن آب و روغن موتور است، می‌سوزد و تعمیر کار محترم می‌گوید: «آب و روغن قاطی کرده» و بعد جامعه زبانی از این عبارت به شکل کنایه آن استفاده می‌کند و در معنای عصبانی شدن، از آن بهره می‌گیرد و در طی کاربرد آن، اقتصاد زبان را نیز به کمک فرامی‌خواند و به طور خلاصه می‌گوید: «قاطی کرده» و سپس نیز باز هم در آن تغییری به‌وجود می‌آورد و می‌گوید: «قاطزده»، راستی کدام بدآموزنده‌ای، مردم جامعه را به بدآموزی رهنمون داشته است، البته شاید دیری نپاید که در این عبارت هم تغییری به‌وجود آید که آیندگان ببینند.

اگر چه با تمامی آنچه در کتاب یاد شده آمده است، موافق نیستم یا بهتر بگویم بر ذوقم منطبق نبوده، ولی با توجه به فرازی دیگر از آن نقد، تعریف ادبیات را یادآور می‌شوم که چکیده آن عبارت است از: نوشته‌هایی که به زیور خیال و آرایه‌ها آراسته گردیده‌اند. پس هنگامی که روی گل پخش کنه‌های تریلری نوشته شده خیرپیش، جز آنکه خیرخواهی راننده را یادآور می‌شود، هیچ به این نکته نیز فکر کرده‌ایم که شاید راننده به رانندگان پشت سر گوشزد می‌کند که از سمت راست سبقت گرفتن، خیر اما از سمت چپ به پیش بروید. حال باید به دیده انصاف نگریست و روزگار را احیاناً ملامت کرد که باب ادبیات جاده را

نقد خواندنی جناب آقای حسین جعفری را درباره فرهنگ لغات زبان مخفی در کتاب ماه ادبیات و فلسفه شماره ۷۸ فروردین خواندم و به قضاوت ایشان آفرین گفتم و از صمیم دل آرزوی سعادت‌مندی و سلامتی ایشان را دارم. اما آنچه که مرا بر آن داشت تا این رقیمه را که تکمله‌ای بر آن نوشته می‌دانم بنگارم، مباحثی است که به قضاوت ایشان و خوانندگان محترم می‌گذارم.

اگر از دید علم زبان‌شناسی به زبان و رویدادهای آن بنگریم و معتقد باشیم که زبان‌شناس در پی قبح و حسن نیست، بلکه توصیف‌گری است که به وصف زبان آن‌چنان که هست می‌پردازد، دیگر مسایل مطرح در کتاب فرهنگ لغات زبان مخفی ناخوشایند نمی‌نماید. در اینجا لازم می‌دانم که به پیشینه اصطلاحی که چند صباحی وارد زبانها گردیده بود، اشاره کنم: هنگامی که اتومبیل کسی خوب کار نمی‌کند و به سراغ مکانیکی می‌رود و او می‌گوید: «به علت از کار افتادن یکی از شمعها موتور سه کار می‌کند» که از این سخن نامیزان بودن فعالیت موتور استنباط می‌شود و پس از چندی شاهد کاربرد اصطلاح سه نکن و مشتقاتش در جامعه هستیم، کدام بدآموزی از سوی آن مکانیک محترم صورت گرفته است و باید اعتراف کنیم که اهل زبان از استعدادهای زبانی این گونه بهره می‌گیرند و باز هم مثالی دیگر از همین جماعت: هنگامی

سالیان به حیات خود ادامه داده‌اند و در برابر واژگانی که دیری نپاییدند و به بوته فراموشی سپرده شدند که به نظر حقیر خوشایندی واژه‌ها در حیات آنها نقش چشمگیری دارد و نکته مهم‌تر اینکه نباید نگران عجله نگارنده در تدوین کتاب **فرهنگ لغات زبان مخفی** بود چرا که با گسترش ارتباطات، شاید یکی دو هفته بعد از ساخت هر ترکیب یا واژه‌ای در جای جای این مرز و بوم آنها را بشنویم یا به کار گیریم.

در جایی دیگر منتقد محترم می‌نویسند که با نگاهی به گذشته به آینده امیدوار می‌شوم، اگر این نگارنده محترم به خاطر داشته باشند آنچه در گذشته به کار می‌رفت خود گونه زبان است که در بین عده‌ای رواج داشته و اکنون از آن عده، انگشت‌شماری باقی نمانده است و به تبع اهل زبان و گونه‌های دیگر رخ نموده‌اند، پس با تغییر افکار و اندیشه‌ها دگرگونی‌هایی در زبان نیز پدیدار می‌گردد.

در پایان باید به دوست هم‌زبان و ندیده‌ام جناب آقای دکتر سمائی متذکر گردم که حتماً در چاپ بعدی کتاب، عنوان آن را به فرهنگ گونه‌ای از زبان امروز تغییر دهند چرا که هیچ‌گونه اختفایی بر این لغات مترتب نیست و در جامعه به عنوان یکی از گونه‌های زبان شاهد به کار بستن آنان هستیم.



گشوده است و نه گردآورنده چنین اصطلاحاتی را. البته نگارنده نقد معتقدند که گران قیمتی اتومبیلها مانع استفاده از چنین عباراتی شده، در حالی که از دید علمی باید گفت که روزگار کاربرد آن گونه کلمات به پایان رسیده و کلماتی چون: امپراتور یا کشتی تایتانیک و... جای آنها را گرفته است.

نویسنده محترم در جایی دیگر از نقد خود می‌نویسد که مؤلف این فرهنگ، عجولانه دست به گردآوری واژه‌ها زده است و این لغات و عبارات جنبه بدآموزی دارد، ضمن یادآوری عدم توجه زبان‌شناس به حسن و قبح کلمات، باید شایستگی کاربردشان را در صحنه اجتماع به تماشا بنشینیم. چه بسیار کلماتی که در طی